روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۳۲۲

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
دو چیز مردم را هلاک کرده: ترس از نداری و فخرطلبی.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۳۵
■ اذان مغرب: ۱۷:۵۴ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۵
■ اذان صبح فردا: ۵:۳۶ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۱

حافظ
حال دل با تو گفتنم، هوس است
خبر دل شِنُفتَنَم، هوس است

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

کوچه‌گرد

چراسگ‌های تهران پیتزاخور شدند؟

لیلا باقری

تصور کنید، ۱۵۰ سال پیش در تهران، نه شهرداری بود، نه رفتگری، نه سطل زباله‌ای. خیابان‌ها پر از زباله و لاشه‌های مرده بود... اما خب، انگار مشکلی نبوده! چون شهر روش خودش را برای تمیزشدن داشت!

تهران قاجاری بیشتر از آنکه شهر باشد، یک ده بزرگ بود. خیابان‌های خاکی، جوی‌های پر از گل‌ولای و زباله‌هایی که هرجادلشان می‌خواست تلنبار می‌شدند، اما شب که می‌شد یه اتفاقی می‌افتاد. نامرئی‌هایی از راه می‌رسیدن، زباله‌ها رو جمع می‌کردن و لاشه‌های مونده رو می‌خوردن؛ سگ‌ها و شغال‌ها! دکتر پولاک، پزشک دربار ناصرالدین‌شاه می‌نویسد: «برای تنظیف خیابان‌ها هیچ عملی انجام نمی‌گیرد. این را دیگر به میل و دلخواه سبزیکارها واگذارده‌اند که زباله شهر را برای کود ببرند. دل و روده حیواناتی که ذبح شده‌اند، باقیمانده غذا و جانورانی که مرده‌اند به کوچه افکنده می‌شود و در آنجا می‌ماند. پس این خود بخت بلندی است که سگ‌های بسیار، با تخم و ترکه فراوان‌شان شب‌ها از کمینگاه بیرون می‌پرند و کوچه‌ها را تمیز می‌کنند. شغال‌ها نیز اینجا و آنجا گاه و بیگاه به دستیاری سگان بر می‌خیزند... کس دیگری به نام سر پرسی هم می‌نویسد که به دلیل وفور زباله در کوی و برزن، شهرها و روستاها پر بود از سگ‌های ولگرد و انواع جانوران و حشرات.

آره، تمیز می‌کردند ولی باید دید دقیقا مردم کی متوجه شدند آن بیماری که به ترس از آب مشهور بود، هاری است! و این سگ‌ها گرچه لاشه‌ها را پاک می‌کنند، اما هر روز کشته تازه‌ای هم روی دست‌شان می‌گذارند.

اما وقتی اداره احتسابیه شکل گرفت، یعنی همان چیزی که بعدها شهرداری شد، تصمیم گرفتند اقلا خیابان‌های دولتی را تمیز کنند. هرچند که در محله‌های دیگر و روستاها وضع به همان منوال بود. گذشت تا روزگاری که بالاخره فهمیدند اگر می‌خواهند از وبا، هاری و کلی بیماری دیگر خلاص شوند باید به بهداشت شهر اهمیت دهند و کار را به سگ و شغال نسپارند. حالا، با اینکه لاشه‌ای در خیابان‌های شهر نمی‌بینیم، اما هنوز هم سگ‌های ولگرد داریم. چرا؟

چون سگ‌ها امروز از راه دیگری تغذیه می‌کنند؛ مهربانی آدم‌های ناآگاه و منفعت‌طلبی برخی آدم‌ها که بماند.

یک بخش مهم‌تر البته، زباله‌هایی است که تفکیک نمی‌کنیم. ته‌مانده غذاها، نان خشک و هر خوردنی دیگر در سطل‌ها و گوشه خیابان‌ها رها می‌شوند و خب، وقتی غذای رایگان این‌قدر راحت در دسترس است، چرا سگ‌ها نباید هر روز بیشتر شوند؟ فقط احتمالا وقت گشتن بین مخازن یادی از اجداد و گذشتگان بکنند و بگویند که «یادش به خیر، قدیما غذامون پروتئینی بود، حالا فقط نون خشک و ته‌مونده فست‌فود...»

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

سوژه روز

پرندگان خوابند!

تهران تنها شهر ساکنان قدیم و جدیدش نیست، تهران تنها شهر ماشین و دود و آسمانخراش‌های ریز و درشتش نیست؛ تهران ساکنان سبکبالی هم دارد که تاریخ حضورشان در این شهر، به قدمت چنارهای پهن‌برگش بازمی‌گردد؛ پرندگانی که به‌جای زمین، روی درختان خانه می‌کنند و به‌جای خیابان‌ها، در راه‌های هوایی تردد! پرندگان آسمان تهران مثل ما آدم‌ها، علاوه بر آب و دانه به آرامش و آسایش هم نیاز دارند. وقتی دسته‌ای کبوتر با صدای نخراشیده بوق اتومبیلی در تقاطعی یکهو به هوا می‌پرند، احتمالا معنی و مفهومش آن است که بند دلشان پاره شده و آرامش‌شان به هم ریخته. پس علاوه بر دود و دم و آلودگی محیطی به فکر آلودگی‌های صوتی هم باشیم؛ چون شاید پرندگان با ما قهر کنند و ما را تنها بگذارند.

کهنه‌پاتوق‌های تهران

گزارشی از چند قهوه‌خانه تهران که مغلوب زمان و تغییر اعصار نشده‌اند و همچنان میزبان سخاوتمند تهرانی‌ها هستند

فاطمه عباسی

در طول بیش از ۵هزار سال تاریخ ایران، جامعه ایرانی که همواره منشأ امید و پویایی بوده، به‌عنوان جامعه‌ای متمدن به این نتیجه رسید که پس از کار و فعالیت روزانه، اوقات فراغت افراد هم باید به نوعی پر شود، آن هم در محلی که حالا «قهوه‌خانه» خطابش می‌کنیم. این شغل ریشه در تاریخ این سرزمین دارد، تا جایی که در دوره صفویه به اوج درخشش خود رسید و بالاخره در دوره قاجاریه به‌عنوان نخستین صنف از پیشه‌وران دارای تشکل صنفی شد. قهوه‌خانه به‌عنوان یکی از صنوف مردمی در هر محله و یک ضلع از مربعی که نانوایی، قصابی و بقالی دیگر اضلاعش بود جایگاه خاص خودش را داشت و نهادی سنتی و اجتماعی بود که بسیاری از تعاملات و اتفاقات مهم در آن شکل می‌گرفت. قهوه‌خانه درگذشته پاتوق اندیشمندان، ادبا، سخنوران، عیاران و اصناف بود و در این مکان علاوه بر رد و بدل شدن اخبار روز، دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن زمان تحلیل و بررسی می‌شد. البته این ترکیب تا دهه ۵۰ به این شکل ادامه داشت و به تدریج در کنار دیگر تحول‌های اجتماعی، این ترکیب نیز به هم خورد و امروزه دیگر قهوه‌خانه با آن حال و هوای تهران قدیم وجود خارجی ندارد. پس از انقلاب مراکزی با نام سفره‌خانه سنتی شکل گرفت. این محل‌ها بیشتر مورد توجه مسافران داخلی یا ایرانگردان خارجی است. تنها تعداد محدودی از قهوه‌خانه‌های قدیم در تهران همچنان به کار خود ادامه می‌دهند که بد نیست با آنها آشنا شوید.

عکس: همشهری/ امیر ادهم

جایی برای پهلوانان

قهوه‌خانه «رمضون یخی» که هنوز هم در ابتدای خیابان دروازه غار فعال است، روزگاری پاتوق لوطی‌ها، پهلوانان و به قول معروف، گنده‌لات‌های تهران قدیم بود، قهوه‌خانه‌ای که استعمال قلیان در آن ممنوع است و تاکنون کارهای خیر زیادی در آن انجام شده. لوطی‌های زیادی به این قهوه‌خانه که حالا به نام حاج تقی اسماعیل‌پور معروف است، رفت‌وآمد داشتند، از طیب‌خان (شهید طیب حاج‌رضایی) معروف به «حر انقلاب» تا مرحوم تختی. هنوز هم بزرگان کشتی مثل محمدرضا طالقانی و قهرمانان تیم ملی به این قهوه‌خانه می‌آیند و بساط خیر و دستگیری از نیازمندان را پهن می‌کنند. شاهنامه‌خوانی و پرده‌خوانی از برنامه‌های همیشگی این قهوه‌خانه است و در ایام محرم خیلی‌ها برای تماشای تعزیه‌خوانی به این قهوه‌خانه می‌آیند.

کوچک‌ترین قهوه‌خانه دنیا

قهوه‌خانه حاج علی درویش یکی از قدیمی‌ترین قهوه‌خانه‌های تهران است که در محدوده بازار بزرگ قرار دارد. تأسیس آن به سال ۱۲۹۷ شمسی بازمی‌گردد. شاید تعجب کنید، اما کوچکی قهوه‌خانه یکی از دلایل شهرت آن است، به طوری که برخی آن را کوچک‌ترین قهوه‌خانه دنیا می‌دانند. اندازه قهوه‌خانه حدودا ۱/۵ متر است و چند صندلی بیرون قهوه‌خانه دارد که مشتریان برای صرف چای روی آنها می‌نشینند. کوچکی قهوه‌خانه طعم متفاوت و منحصربه‌فرد چای و برخورد صمیمی و مهربان صاحب قهوه‌خانه دست به دست هم داده‌اند تا بسیاری تنها برای دیدن این قهوه‌خانه و نوشیدن چای آن به بازار مراجعه کنند. این قهوه‌خانه حدود ۱۰۵ سال پیش توسط حاج محمدحسن شمشیری تأسیس شد.

جذب گردشگر در آذری

قهوه‌خانه ۱۰۰ساله آذری در ابتدای خیابان ولی‌عصر(عج) نیز یکی از قهوه‌خانه‌های قدیمی تهران است که با وجود بازسازی، هنوز شکل و شمایل گذشته خود را حفظ کرده است. این قهوه‌خانه از سال ۱۳۲۷ به تملک عبدالحمید آذری‌پور اصفهانی درآمد و بعد از این مرحوم، اداره این قهوه‌خانه را حاج مصطفی از اعضای این خانواده عهده‌دار شد. جالب اینجاست که حاج مصطفی کارشناس ژنراتور صدا و سیما بود، اما به‌دلیل علاقه به پیشه آباء و اجدادی‌اش، بعد از ۱۱سال، کار در صدا و سیما را به عشق همین پیشه خانوادگی رها و این قهوه‌خانه را احیا کرد. از افتخارات ثبت‌شده در تاریخچه قهوه‌خانه آذری ۲بار معرفی آن به‌عنوان بهترین مکان برای جذب گردشگر در یک جشنواره در کشور اسپانیا بوده است. از دیوارهای آجری بنا تا دیوار آینه‌کاری‌شده مقابل در ورودی که با رنگ نقاشی و تزئین‌شده، همگی رنگ و بویی قدیمی دارند.

اولین قهوه‌خانه تهران

اولین قهوه‌خانه‌ای که در تهران تأسیس شد، قهوه‌خانه امامزاده زید بود. موقعی که ناصرالدین‌شاه به زیارت امامزاده زید رفته بود، از تنوره این قهوه‌خانه بدش آمد و دستور داد آن را بردارند، ولی زیردستانش تمام بنای قهوه‌خانه را نابود کردند.

هر صنف، یک قهوه‌خانه

شاید دانستنش برایتان جالب باشد که در گذشته هر قهوه‌خانه‌ای در واقع پاتوق یکی از صنف‌های تهران بوده؛ از قاچاقچی‌ها، دزدها و جیب‌برها بگیر تا دلال‌ها، آشپزها، دستفروش‌ها، کارمندها و ارتشی‌ها.

تهرانگرام

... عمارت منحصربه‌فرد تهران

خیلی‌ها تنها برای دیدن بادگیرهای معروف یزد، به این شهر سفر می‌کنند، اما بد نیست بدانید که در قلب تهران هم عمارت بادگیر زیبا و منحصربه‌فردی وجود دارد که دیدنش خالی از لطف نیست. عمارت بادگیر کاخ گلستان از بناهای تاریخی و بسیار زیبا در تهران است. آنطور که در منابع تاریخی آمده، این عمارت بادگیر به دستور فتحعلی‌شاه قاجار در سال ۱۱۹۲ شمسی ساخته شده است. وجه تسمیه عمارت بادگیر، وجود ۴بادگیر است که در چهارگوشه عمارت قد علم کرده‌اند. پادشاهان قاجار معمولا اگر در ایام تابستان در تهران بودند و به ییلاق نمی‌رفتند، از این حوضخانه استفاده می‌کردند و شاید برای همین بود که تاج‌گذاری مظفرالدین‌شاه سال ۱۲۷۴شمسی که مصادف با تابستان و گرمای شدید تهران بود، در تالار همین عمارت روی تخت طاووس برگزار شد. وارد عمارت که بشوید بعد از عبور از پلکان مرمرین به تالار آینه‌کاری بسیار زیبا پا می‌گذارید. از پنجره‌های همین تالار، باغچه‌های بزرگ مجموعه کاخ گلستان دیده می‌شود. پلان تالار اصلی عمارت بادگیر به‌صورت صلیبی است و این تالار با ارسی بسیار وسیع و زیبا به همراه تزئینات آینه‌کاری و گچبری آراسته شده و فقط این برج‌بادگیرها در ایران با معرق تزئین شده است.

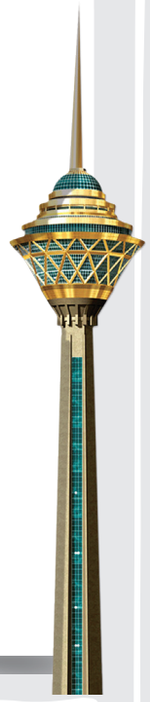

تهران‌نامه

جایزه بزرگ برای مسابقه هیجان‌انگیز

تماشای مسابقه اسب‌دوانی از علایق مردم دوره قاجار بود. در دوره قاجار این مسابقات با شکوه و آداب خاصی در حضور شاه و مردم برگزار می‌شد. همه از شاه و خدمه و مردم برای تماشا به بیرون شهر می‌رفتند و دور میدان را می‌گرفتند. ساعت سواری شاه را شلیک توپ اعلام می‌کرد. شاه با قدرت به اسب‌دوانی می‌پرداخت و پس از کمی استراحت نظاره‌گر سایر اسب‌دوانان می‌شد. رجال درباری هم از همه صنوف دعوت شده و حاضر بودند. در اینجا نظام‌الملک، وزیر لشکر اسامی را با رنگ اسب‌ها و اسم چابک‌سوارها یکی‌یکی می‌خواند. چابک‌سوارها با اسب‌های خود، سان می‌دادند و از جلوی شاه می‌گذشتند و بعد مسابقه را شروع می‌کردند. کیسه پول جایزه در هر مسابقه مرتب چیده می‌شد که هر اسبی جلو می‌آمد، چابک‌سوار پیاده می‌شد، کیسه جایزه را به سر می‌گرفت و تعظیمی می‌کرد. بزرگ‌ترین جایزه که جایزه اول نام داشت، ۱۵۰تومان بود. ختم اسب‌دوانی را شلیک توپ اعلام می‌کرد و شاه به شهر برمی‌گشت. مردم هم که به تماشا رفته بودند متفرق می‌شدند، افواج و سواره پادگان به سربازخانه‌های خود برمی‌گشتند. علاقه ناصرالدین‌شاه به اسب و اسب‌دوانی باعث شده بود تنها مجسمه‌ای که از خود به یادگار گذاشت، او را سوار بر اسب نشان دهد.

با همشهری در مترو دیده شوید
تبلیغات محیطی ایستگاه‌های مترو
تبلیغات بدنه قطار
تبلیغات درون واگن‌ها
پذیرش آگهی ۱۸۱۹

آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای
شرکتی در نظر دارد **تعداد ۲۵ نفر نیرو جهت اخذ خدمات نظافتی و پذیرایی** را از طریق شرکت های واجد شرایط تامین نماید.
محل و زمان دریافت اسناد: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۶، طبقه سوم، از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ لغایت ۱۴۰۳/۱۲/۰۲
زمان تحویل پاکات و اعلام پیشنهاد قیمت: حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۲
زمان گشایش پاکات پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ ساعت ۱۳ بعد از ظهر
متقاضیان دارای شرایط با شماره‌های ۴۲۶۰۹۲۸۰ و ۰۹۱۲۰۲۲۸۱۹۴ تماس حاصل فرمایند.